

انقلاب اسلامی در فلسطین

حجة الاسلام سید علی اکبر محتمی

(۲)

قسمت سوم

خانه‌های فلسطین، غزه، کرانه غربی، قدس و سایر نقاط به در و دیوار و در داخل خانه‌ها نصب شد و آنان به عنوان «رهبران ملی فلسطین» مورد تمجید مردم قرار گرفتند و روحیه بسیار بالایی را به جوانان فلسطینی داد، عظمت این کار آنقدر بود که رئیس هلال احمر غزه که طبیعتاً هلال احمر یکی از ادارات اسرائیل است. بنام آقای «عبدالشافی» رسماً در مصاحبه‌ای گفت: «تصمیم این زندانیانی که فرار کردند و تصمیم گیریشان راجع باینکه باقی بمانند و بجنگند به جای آنکه فرار کنند بسیار بعد بنظر میرسد و شکی نیست که این حرکت باعث خواهد شد که روحیه بسیار قوی در میان فلسطینیان بجای بگذارد» و اضافه کرد: «سازمان جهاد اسلامی جایگاه بسیار بارز و ویژه‌ای نسبت به جنگ با اشغالگران فلسطین به خودش اختصاص داده است».

در زمینه کیفیت شروع قیام همگانی مردم فلسطین آنچه در تاریخ جهان به رسمیت شناخته شده و ثبت گردیده است: این قیام نقطه آغازینش ۹ دسامبر ۱۹۸۷ مطابق با ۱۸ آذرماه ۱۳۶۶ است گرچه این روزها به عنوان روز حقیقی و واقعی شروع قیام نمی‌توان قلمداد کرد بلکه در این روز قیام بصورت سراسری درآمد و باعث تعطیلی کل سرزمینهای اشغالی شد. این قیام و تعطیلی و اعتصاب همگانی در اثر عملیاتی که انقلابیون مسلمان جهاد اسلامی داشتند صورت گرفت. و برای درک بهتر باید برگردیم به تاریخ ششم دسامبر یعنی حدوداً چهار روز قبل از اعتصاب سراسری که در این روز در خیابانهای غزه، جهاد اسلامی دست به یک حرکتی زد که منجر به انتقامجویی نیروهای صهیونیستی در ۸ دسامبر شد و در این روز چهار نفر از کارگران بی دفاع بوسیله نفرهای صهیونیستی در یکی از خیابانهای غزه زیر گرفته شدند و به شهادت رسیدند. این عمل سبب شد که سراسر غزه به اعتصاب عمومی کشیده شود و مردم دست به تظاهرات بزنند که از روز بعد اعتصاب به سایر نقاط گسترش پیدا کرد. در اینجا بطور اختصار ما عوامل مستقیم و غیرمستقیم این انتفاضه را متواتر فهرست کنیم. این علل به دو دسته تقسیم می‌شوند، عوامل مستقیم و عوامل غیرمستقیم.

عوامل حرکت عمومی مردم مسلمان فلسطین:

عوامل مستقیم این حرکت از هفته اول اکتبر ۸۷ شروع شد که شش نفر از برادران جهاد اسلامی از زندان آزاد شدند و چهار نفر از آنها در یک عملیات متهورانه و بی نظیر با نیروهای صهیونیستی درگیر و موفق شدند که رئیس ساواک منطقه غزه را در روز روشن و جلوی انظار عموم مردم در وسط شهر غزه به هلاکت برسانند. بدنبال این حرکت، مجاهدین جهاد اسلامی در یک جنگ چند ساعته با نیروهای دولتی به نبرد پرداختند و با استفاده از کمین‌های مختلف شهری و حرکت‌های بسیار زیبای چریکی، نیروهای زیادی از اسرائیل را به هلاکت رسانده و سرانجام خودشان نیز شهادت رسیدند. این حرکت باعث شد که مردم غزه عظمت و شکوه و شرافت خاصی را احساس بکنند و از این بعد در غزه به مدت دو ماه مردم با اجتماع در مساجد و محافل براهپیمائی‌ها و اعتصابات پراکنده دست زدند و پس از این عملیات بود که رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت «شیخ عبدالعزیز عسوده استاد دانشگاه اسلامی غزه و امام جماعت مسجد

فرار انقلابیون مسلمان فلسطینی از زندان:

یکی از حرکت‌های مهمی را که در تاریخ فلسطین جاودانه خواهد ماند مسئله فرار شش نفر از چریک‌های جهاد اسلامی از زندان غزه است که علی‌رغم استحکامات فراوانی که زندانهای اسرائیل دارند و این زندانها در اسرائیل بصورت دژهای بسیار مستحکمی در میان صفوف متعدد و مشخص با تأسیسات وسیع الکترونیکی حفاظت و حراست میشود، مجاهدین جهاد اسلامی توانستند پنجره‌های زندان خود را از جا بکنند و خود را به خارج برتاب کنند و با نفوذ در داخل صفوف نیروهای حافظ زندان از داخل مرکز فرمانده نظامی بگذرند و سیم‌های خاردار را قطع کنند و از زندان خارج بشوند. روزنامه «هاآرتز» اسرائیل که در میان صهیونیست‌ها دارای اعتبار است بلافاصله روز بعد اعلام کرد: «این فرار بزرگترین عملیات فرار از زندانهای اسرائیل در هشت سال گذشته بوده است». و همین روزنامه اعلام کرد: «کسانی که فرار کردند افراد بسیار خطرناکی از سازمانهای فلسطینی بودند که عملیاتی را در گذشته علیه نیروهای اسرائیلی انجام داده بودند».

یکی از برادران مجاهد لبنانی بنام «حسن مقلد» که یکسال و نیم در زندانهای مختلف اسرائیل زندانی بوده در مصاحبه‌ای که روزنامه «المهد» ارگان حزب الله لبنان با او کرده راجع به داستان شب فرار چنین می‌گوید:

«ما در شب ۱۷ ماه مبارک رمضان قرآن و دعا خواندند و سرودهای اسلامی را با صدای بلند دسته‌جمعی خواندیم. در همین زمان بود که برادران فلسطینی ما آهنپای پنجره زندانی که آن شش نفر در آن بودند را می‌بریدند و توانستند در زیر طنین صدای قرآن و شعار و دعا و سرودهای انقلابی ما بدون اینکه نیروهای اسرائیلی بفهمند، پنجره را بشکنند و از آنجا خارج شوند. و بعد از فرار آنها سربازان اسرائیلی حمله کردند به زندان و زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و زندان را تفتیش کردند بخصوص آن اطالی را که محل سکونت آن شش نفر از جوانان جهاد اسلامی فلسطین بود».

درگیری شجاعانه با نیروهای اسرائیلی:

علیرغم اینکه نیروهای سازمانهای دیگر وقتی از زندان آزاد می‌شوند یا موفق به فرار می‌شوند خاک فلسطین را ترک می‌کنند ولی این برادران، مرگ و زندگی خودشان را در داخل سرزمین فلسطین می‌دانند و سرنوشت خودشان را مرتبط با فلسطین اسلامی می‌انگارند، این برادران چند روز بعد از آزادیشان از زندان در یک جنگ بسیار وسیع و غرورآفرین با نیروهای اسرائیلی درگیر شدند. در این درگیری که تعداد زیادی از نیروهای اسرائیلی در غزه کشته شدند، چهار نفر از این برادران و نیروهای جهاد اسلامی شهادت رسیدند و این حرکت آنچنان موجی در غزه و سراسر فلسطین اشغالی بوجود آورد که عکس این شهدا در تمام



شهبید عزالدین قسام» را دستگیر و زندانی کند. بدنبال دستگیری ایشان مردم دست به اعتصاب و تظاهرات سراسری بیشتری در نوار غزه زدند که البته این هنوز آغاز حرکت گسترده نبود.

عوامل غیر مستقیم حرکت عمومی مردم فلسطین هم که از یکی دو سال قبل آغاز شده بود و عبارت از عملیاتی بود که در سراسر سرزمینهای اشغالی توسط جهاد اسلامی صورت گرفته بود که به تفصیل بیان کردیم.

بنابراین در یک جمع بندی نهائی ابعاد مختلف این قیام را می توانیم در چند فراز خلاصه کنیم.

بعد اصلی این قیام و این انتفاضه «بعد اسلامی» آن است که مهم ترین بعد از ابعاد این قیام بشمار می رود. نقطه انفجار این قیام از مساجد و توسط ائمه جماعات، روشنفکران اسلامی و فارغ التحصیلان مصری بوده و در میان جوانان با سرعت گسترش پیدا کرده و اگر هم برخی از عناصر ملی گرا و یا غیر اسلامی و یا چپ در میان دستگیر شدگان یا این قیام وجود دارند، قطعاً حرکتشان و شعارشان اسلامی است. برای مثال از قول شیخ عبدالعزیز عوده این مطلب را نقل می کنیم که «یکی از رهبران کمونیست ها در زندان به او گفته بود که من در حال خروج از یکی از مساجد غزه و سردادن شعار الله اکبر دستگیر شده ام و نه بعلمت کمونیست بودم دستگیر شده باشم».

بعد دوم «شمولیت» این قیام است. این نهضت تمام عیار بوده و شامل کلیه طبقات و اقشار مردم میشود و در دست یک گروه و سازمان سیاسی نظامی خاص نیست بلکه کلیه جریانات داخلی و خارجی فلسطینی در آن شرکت دارند و این حرکت متکی به وجود توده های مردم است و می توانیم بگوئیم که هیچ نیرویی بعنوان رهبری کننده این حرکت گسترده نمی تواند قلمداد شود. این حرکت، حرکت خود جوش مردمی با انگیزه اسلامی است.

بعد سوم این حرکت «سلاح استراتژیکی» مردم است که در اینجا بکار گرفته شده است. اسلحه جدید مردم یک سلاح خاصی است که موجب ترس و وحشت شدید اسرائیل گردیده و آن اسلحه «استفاده مردم از سلاح سنگ است» و نه تفنگ و یا امکانات پیشرفته تکنولوژیکی نظامی که وابستگی به خارج دارد و گروه و سازمان سیاسی نظامی را وابسته به کشور و قدرتی مینماید که باید تابع سیاستهای او نیز باشد. لذا این بعد خود کفایتی تسلیحات مردمی در این حرکت عمومی فلسطین است و این باعث شد که اسرائیل بدست نگران شود و برای صهیونیست ها بسیار شکننده است بخصوص که در داستانها این مسئله آمده که: «حضرت داود وقتی جوان بود بوسیله سنگ و با استفاده از فلاخن سلطان قدرت مند فلسطینی را بقتل رساند» و این نوع عمل برای یهودیان به عنوان یک اسطوره مقدس محسوب می شود و همان اسلحه سنگ امروزه در دست بچه ها و نوجوانان فلسطینی برای اخراج یهودیان از سرزمینهای فلسطین بکار گرفته میشود که اثرات روحی و روانی بسیاری بر یهودیان داشته و بهتر است به گفته شیون پرز توجه کنیم که نشان دهنده عمق وحشت صهیونیستی است. شیون پرز راجع به این مرحله از مبارزه گفته است: «من از خدا میخواهم که انتقام ما را از این مردم بگیرد». این نهایت احساس ضعف یک فرعون ستمگر است. فرعون و طاغوت صهیونیست امروز در برابر اسلحه استراتژیکی مردم پابره نه فلسطین اینگونه زیون دلیل شده است. ۱

بعد چهارم انتفاضه و قیام اسلامی فلسطین «استمرار» این حرکت و قیام است برخلاف حرکتها و قیامهایی که در گذشته و در طول چهل سال اشغال فلسطین وجود داشته و علی رغم تمام تلاشهایی که از سوی ابرقدرتهای جهان خوار صورت گرفت و علی رغم حرکتهای سران مرتجع عرب و شگردهای مختلف «ساف» جهت کنترل این قیام، مردم فلسطین به حرکت خودشان ادامه دادند و این حرکت اسلامی مردم فلسطین استمرار یافت. ادامه این قیام با توجه به وحشی گریهای نیروهای اسرائیلی و شکنجه و شهادت رساندن زنان و کودکان و جوانان و پیران فلسطینی نشان دهنده یأس کلی مردم فلسطین از حسن نیت ابرقدرتها و غرب و شرق است و همچنین مایوس شدن مردم

فلسطین از سران کشورهای عربی و حتی سازمانهای آزادیبخش فلسطین است باین معنی که آنها به این نتیجه رسیدند که هیچ کس برای آنها کاری نمی کند و برای نجات آنها و آزادی سرزمینشان دل نمی سوزاند و این خود مردم فلسطین هستند که باید قیام کنند.

بعد پنجمی که میتوان ذکر کرد: مسئله «عدم وابستگی» این قیام و استقلال انتفاضه است. اصولاً هر حرکت و قیام و انقلابی در کشورهای مختلف جهان با تحریک یک قدرتی در پشت صحنه محقق می شود و یا باید وابستگی مادی، معنوی و سیاسی به شرق و یا غرب و یا در یک بعد کوچکتری و چارچوب پائین تری وابستگی به کشورهای جهان سوم و غرب داشته باشد حتی احزاب و سازمانها چنین وابستگی هائی را دارند و لذا نمی توانند خود کفا باشند، مثلاً احزاب از نظر مادی و از نظر سیاسی وابستگی دارند و بالاجبار باید نقطه نظرات و سیاستهای آن کشوری که از آنها حمایت می کند از حیث مادی و یا از حیث معنوی و سیاسی تبعیت بکنند. ما در این مدت بیش از یکساله انتفاضه شاهد بودیم سیاستهای جهان شرق و غرب و کشورهای عربی و اسلامی بر این مبتنی بود که این حرکت کنترل و متوقف بشود. شاهد تحرکات عربستان سعودی تحرکات مبارک و مصر، تحرکات دیگر کشورهای عربی و حتی سازمان آزادیبخش فلسطین بودیم که اینها سعی میکردند حرکتهای داخل فلسطین را در کنترل خودشان داشته باشند و حتی المقدور این حرکتها را متوقف سازند ولی نتوانستند چنین کاری را بکنند و این دلیل بسیار محکمی بر استقلال این انتفاضه و قیام ملت فلسطین است.

ششمین بعد که راجع به انتفاضه میتوانیم بر شماریم با توجه به علل مستقیم و غیر مستقیم انتفاضه و ابعاد آن، ثابت می شود که این قیام، یک حرکت آگاهانه بوده و انتفاضه از غلظه بوجود نیامده است. من فکرمی کنم که پژوهشگران و اهل مطالعه و تحقیق بررسی باید توجه داشته باشند که این حرکت و قیام اینگونه ای که تحلیل گران سیاسی، خیرگزارهای صهیونیستی و حتی بعضی از سران عرب و مرتجعین و سازمانهای چپ و راست فلسطین مطرح می کنند که تصادفی است و خود به خود بوجود آمده و گسترش پیدا کرده اینگونه نیست. این حرکت تصادفی نیست؛ حرکت خود بخودی، عامی و موقتی نیست؛ این یک حرکت آگاهانه، منظم و حساب شده است که توسط جوانان مبارز و انقلابی فلسطین شروع شده و استمرار پیدا کرده است. این حرکت معلول بحث و بررسیهای فراوانی است که در اثر تلاقی افکار دهها شخصیت اسلامی فلسطینی و غیر فلسطینی و تجربیات هفتادساله مردم مسلمان در مبارزه با استعمار انگلیس و صهیونیست بدست آمده است و از همه مهمتر تجربه عظیم انقلاب اسلامی کمک بسیار مؤثری در شکل گیری این انتفاضه داشته و نقش تعیین کننده ای را ایفا کرده است. بهرحال با شکل گیری عوامل مختلفی که در آغاز این قیام و حرکت و حالت اسلامی مؤثر بوده و جنبشی بنام حرکت جهاد اسلامی در فلسطین بوجود آمد و نتیجه عملیات این جنبش این انتفاضه است که امروز ما شاهد آن هستیم.

• حضور گروههای اسلامی در قیام مردم مسلمان فلسطین:

گروه های اسلامی که در سازمانهای مختلف و تشکیلاتهای گوناگون در صحنه مبارزات فلسطین بوده و هستند و احياناً نقش عمده و یا جزئی را در قیام ملت فلسطین ایفا میکنند به چند دسته تقسیم میشوند:

اول- جنبشی است تحت عنوان «حركة المقاومة الاسلامیه» که با عنوان «حماس» در صحنه فلسطین مشغول فعالیت است. این حرکت و جنبش پس از قیام سراسری مردم فلسطین بوجود آمده و شاخه مبارزاتی جنبش «اخوان المسلمین» فلسطین است که از سوی رهبری بین المللی اخوان المسلمین حمایت میشود. حماس در حال حاضر نقش عمده ای در تظاهرات و بسیج مساجد و اعتصابات عمومی مردم دارد ولی متأسفانه در اثر رقابت شدیدی که با «جهاد اسلامی» دارد به اشتباهات بزرگی دست زده است، مثلاً یکی از شخصیتهای معروف حماس که با «شیخ عبدالعزیز عوده» از فلسطین اشغالی به لبنان تبعید شده است، به کشورهای عربی سفر کرده و سعی در منتهم

کردن «جهاد اسلامی» داشته و چنین مطرح میکند که «جهاد اسلامی» وابسته و مزدور ایران است! و از طرفی دیگر رهبری حماس به خاطر قدرت و بینه مالی بالائی که دارد و از حیث تبلیغاتی هم قوی است، توانسته با ارتباط گرفتن با «سازمان آزادیبخش فلسطین»، شرایط خوبی را به نفع تشکیلات خودش بوجود بیاورد. بنابراین اشتباه عمده حماس این است که درگیر اختلافاتی با جهاد اسلامی است و از طرف دیگر رقیبی برای «ساف» بشمار میرود و به هر حال میخواهد که خودش به تنهایی در صحنه عنوان شود و لذا برای اینکه در رقابت با «ساف» عقب نماند، بالاچاره احیاناً با اسرائیلی‌ها هم ممکن است حاضر به گفتگو شود و یا مصاحبه‌هایی با دستگاہهای ارتباط جمعی اسرائیل برگزار کند که این در شان یک گروه اسلامی و حرکت اسلامی نیست.

یکی از این موارد، مصاحبه تلویزیونی است که یکی از رهبران حماس «شیخ احمد یاسین» در سپتامبر ۱۹۸۸ بعنوان رهبر «جنبش اسلامی غزه» کرده است. او در پاسخ مفسر تلویزیون اسرائیل که سؤال کرد: اگر اسرائیل حقوق ملت فلسطین را پذیرد، آیا گروههای اسلامی حاضرند از لحاظ اصولی و مبثانی با اسرائیل مذاکره کنند؟ ایشان در جواب میگوید: «بگذار اول اسرائیل اعلام کند آنگاه میشود راجع به این موضوعات صحبت کرد!» و به قول ایشان «لکل حادث حدثت». این مطلب را مجله کویتی «المنتجع» شماره ۸۸۴ مورخ ۱۶ صفر ۱۴۰۹ هجری نقل کرده است که این مجله ارگان اخوان المسلمین است و اصولاً در اینجا این نکته مطرح است که یک حرکت اسلامی به هیچ وجه با هیچ دستگاہ و مؤسسه و اداره‌ای از ادارات صهیونیستی و اسرائیلی نباید همکاری و مذاکره‌ای داشته باشد، چه رسد به اینکه از او چنین سؤالی شود و او فاطمانه چنین همکاری را رد نکند.

دومین حرکت اسلامی که وجود دارد «حركة الجهاد الاسلامی فی فلسطین» است که همین جهاد اسلامی است و عملیات مسلحانه هم دارد. این دومین جناح و یا تشکیلات بزرگ اسلامی است از نظر قوت و قدرت. البته بین جهاد اسلامی لبنان و جهاد اسلامی فلسطین فرقی بسیار عمده‌ای وجود دارد. فرق جهاد اسلامی در لبنان و فلسطین این است که جهاد اسلامی در لبنان ممکن است که یکی از شاخه‌های کوچک مقاومت اسلامی و حزب الله باشد در حالی که جهاد اسلامی در فلسطین درخت تناور است که خود اصل است و نه فرع یک تشکیلات دیگر. بنابراین، جهاد فلسطین حاصل درآمیخته شدن نیروهای مبارزاتی جوانان مسلمان است که از نظر نظامی در فلسطین مرتبه اول را دارند. البته توده‌های مردم فلسطین در اثر تبلیغات وسیع گسترده اخوان المسلمین با آنها ارتباط دارند ولی جهاد اسلامی از ابتدای کارش سعی نموده با ایران رابطه داشته باشد و تلاش نموده به اشکال مختلف این رابطه را حفظ کند. در اثر این ارتباطات و علاقه خاصی که به انقلاب و رهبری انقلاب اسلامی ایران دارد، انتظاراتی را هم از انقلاب داشته دارد که متأسفانه برآورده نشده است. مرکز اصلی آن در شهر غزه است و «شیخ عبدالعزیز عوده» به عنوان پدر روحانی جهاد اسلامی بحساب می‌آید.

گروه سوم «حزب التحریر الاسلامی» است و جریان اسلامی کوچکی که در صحنه تبلیغات سیاسی بصورت آشکار حضور ندارد ولی از حیث تشکیلاتی بصورت مخفی حرکت می‌کند. این حزب در کشورهای مختلف عربی حضور دارد و نمود اصلی‌اش در اردن است. حزب تحریر اسلامی چون توانایی معاومه و مذاکره سیاسی و گفتگوهای رودر رو را با سایر احزاب ندارد. بر این اساس سعی در زندگی مخفی کرده و لذا در صحنه مبارزات عملی نیست و روی این حساب نمی‌توانیم ارزیابی کنیم که چه مقدار در انتفاضة اسلامی فلسطین می‌تواند دخیل باشد.

گروه چهارمی که در صحنه وجود دارد، گروه کوچکی است که اعضایش سعی دارند بین اسلامیت و غربیت جمع کنند و در داخل فلسطین هم روی این نقطه خیلی بافتاری می‌کنند! اینها یک نئپ روشفکری هستند که اکثراً در بیت المقدس و اردن فعالیت دارند و یکی از شخصتهای معروف آنان «قاهی الحسینی فرزند شهید شیخ عبدالقادر الحسینی مفتی معروف» است و آقای قاهی الحسینی قبلاً نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران بود.

گروه پنجم که بیشتر حضور فعال داشته و در گذشته نیز یک جریان سلفیه‌ای در

سرزمینهای اشغالی بوده به رهبری «شیخ اسعد یوهس نعیمی» است که رهبری این جریان تحت تأثیر انقلاب اسلامی و حضرت امام وارد صحنه مبارزه شده و تا کنون هم خوب عمل کرده و در رابطه با مسائل مبارزاتی با بروز جهاد اسلامی و قیام مردم فلسطین مدتی با جهاد اسلامی به مذاکره نشسته‌اند. شیخ یوهس قبلاً در بیت المقدس از علمای بزرگ آنجا و مفتی شهر بود که در اثر سخنرانیها و مبارزاتش او را از بیت المقدس به اردن تبعید کردند. اما جریاناتی که در رابطه با شخصتهای دینی و اسلامی فلسطین در گوشه و کنار بوده و هستند و در اثر جنبش اخیر مردم فلسطین تا حدودی جان گرفتند و حاضر شدند در مبارزات وارد شوند که اینها علمای شریها و حتی روستاهای فلسطین اشغالی و فارغ التحصیلان مصر و اردن و بیت المقدس هستند و مهمترین این شخصتها «شیخ سعدالدین العلی» مفتی کنونی بیت المقدس است که امثال او در روستاها و شهرها هستند و یا امام جماعت هستند و یا مدرّس علوم دینی و اسلامی و این شخصتهای اسلامی امروز با ملت فلسطین همصدا شده‌اند و این گوشه‌ای از جریانات اسلامی است که در فلسطین وجود دارد و می‌شود از آنها نام برد.

مشکلات قیام اسلامی فلسطین:

یکی از مشکلات عمده قیام اسلامی مردم فلسطین، ضعف تبلیغاتی «جهاد اسلامی» است زیرا اصولاً دنیای استکباری در تبلیغاتی که توسط صهیونیستها انجام میشود، سعی می‌کند که چهره جهاد اسلامی را بصورتی وارونه منعکس کند و نظر مردم دنیا و افکار عمومی را نسبت به آنها منفی و دنیا را نسبت به جهاد اسلامی بدبین کند ولی این قیام آنقدر ابعاد گوناگونی دارد که مسائل ارتباط جمعی آنها نمی‌تواند این تابش وسیع خورشید قیام اسلامی فلسطین را زیر پوشش تبلیغاتی خودشان بصورت یکپارچه منفی جلوه بدهند. بر این اساس است که جهان عرب و سازمانهای مختلف فلسطینی سعی کردند که بهر حال در برتو این قیام برای خودشان آبرو و حیثیتی دست و پا و کسب کنند و بقول معروف با این قیام مثل گذشته یک تجارت جدید سیاسی را داشته باشند یعنی در حالیکه نیروهای اسلامی در داخل سرزمینهای فلسطین فعالیت میکردند، نا آن را سازمان آزادیبخش فلسطین بخورد و همانطوریکه مکرراً گفته شده جرقه قیام از مساجد زده شد و توسط جنبش اسلامی در کل شهرها و روستاها گسترش پیدا کرد ولی پس از گذشت سه ماه از این قیام و در حالیکه جهانیان بهت زده به پایان عمر قیام اسلامی فلسطین نمی‌نگریستند و در انتظار پایان یافتن این جنبش بودند متوجه شدند که این جنبش آنگونه ریشه‌دار است که به این زودبها پایان نمی‌پذیرد و وقتی مقداری سازمانهای فلسطین بخصوص «سازمان آزادیبخش فلسطین» بخود آمد، سعی کرد که از این ره‌نوشه‌ای را برای خودش دست و پا کند و بهترین مسیر همان مسیر بهره‌برداری تبلیغاتی بود که کنترل تبلیغاتی این قیام اسلامی را با برنامه‌ریزی در دست گرفت البته علت اینکه از حیث تبلیغاتی «ساف» در صحنه آمد ضعف امکانات مادی و نداشتن تجربیات سیاسی ریشه دار نیروهای جوان فلسطینی بود که تازه پا به میدان کارزار نظامی و سیاسی گذاشته بودند و نتیجه این ضعف این شد که عملاً ثمره این قیام را سازمانهای فلسطینی بخصوص «الفتح» ربوندند.

نا گفته نماند که آنها ابتداء سعی میکردند تا تشکیلات داخل سرزمینهای اشغالی را در کنترل خودشان بگیرند که از آن عاجز ماندند ولی در نقشه دیگری که طرح ریزی کردند، سعیشان بر این بود که رهبری تبلیغاتی این قیام را داشته باشند و لذا تعدادی از سازمانهای فلسطینی یک رهبری مشترکی را تشکیل دادند بنام «القیادة الموحدة للانتفاضة» که رهبری واحد انتفاضة فلسطین بود. این رهبری مربوط می‌شد به سه چهار نا از سازمانهای فلسطینی که عبارتند از: «سازمان الفتح»، «الجبهة الشعبیة»، «گروه جرح حبش»، «گروه نایف حواتمه» و «حزب کمونیست فلسطین» که کلاً اعضای سازمان آزادیبخش فلسطین بودند ولی متأسفانه سازمانهای اسلامی در داخل فلسطین به چنین وحدتی نرسیدند و در رابطه با عملیاتی که در سرزمینهای اشغالی انجام می‌دادند



هر یک اطلاعاتی جداگانه‌ای را پخش می‌کردند و این خود شعفی بود که از نظر تبلیغاتی در رابطه با قیام مردم فلسطین، ما شاهد آن هستیم.

مشکل دوم اینست که این قیام اسلامی هم اکنون در یک محاصره کامل بین المللی قرار گرفته است. رهبران قیام با درزندان بسر می‌برند و یا به خارج فلسطین تبعید شده‌اند. این جنبش و قیام فاقد هر نوع امکانات مادی، تبلیغاتی و سیاسی می‌باشد. انتفاضه در داخل بین یک حلقه بسته از سوی اردن، سوریه، مصر و لبنان محاصره شده است البته قبلاً در اثر ارتباط اداری که «کرانه غربی رود اردن» با اردن داشت، این قیام می‌توانست یک نفسی بکشد اما با حرکت عاشقانه ملک حسین و قطع ارتباط اداری با کرانه غربی که نشانه یک همکاری و توطئه مشترک آمریکا و اسرائیل و اردن بود، این ارتباط قطع شد.

نتیجه این مشکلات این خواهد شد که یا جنبش اسلامی فلسطین مجبور شود از برخی مواضع و اصول عقیدتی سیاسی و انقلابی خود دست بردارد تا بتواند نفسی بکشد و به حیات خودش ادامه بدهد یا دست به دامان برخی از کشورهای عربی بزند که طبیعتاً استقلالش را از دست می‌دهد و تا حدودیکه از کمکهای آن کشور برخوردار می‌شود و بسته به آن کشور خواهد شد و نتیجتاً از صحنه مبارزات اصولی خودش خارج می‌شود و یا اینکه با سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر سازمانهای دست چپی و یا راستی فلسطین هم‌شود و به یک نوع مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی و دیپلماتی بسنده کند. ضمناً باید آمادگی انجام حرکتی قهرآمیز در داخل فلسطین را داشته باشد منتهن آن حرکتها کنترل شده باشد تا اینکه با سیاستهای کلی سازمان آزادیبخش فلسطین مغایر نباشد.

خطرات تهدید کننده، قیام اسلامی مردم فلسطین:

خطرات احتمالی که این قیام را تهدید می‌کند نواقض ضمنی صاف و سران مرتجع عرب است تا آنکه همگی بصورت دسته جمعی از مردم فلسطین بخواهند که مبارزه قهرآمیزشان را متوقف کنند؛ همان خطری که در سال ۱۹۳۶ اتفاق افتاد بار دیگر اتفاق بیافتد. در سال ۳۶ شاهان و رؤسای مرتجع عرب این کار را کردند و به بهانه وعده‌هایی که انگلیس به ملک عبدالعزیز داد، بعد از آنکه مردم فلسطین ششماه به رهبری «شیخ عزالدین قسام» قیام کردند و اعتصاب کردند و اسرائیل را به زانو درآورده و ابرقدرتها را مأیوس کرده بودند این رؤسای وابسته و مزدور عرب به مردم فلسطین قول دادند که اگر آنها دست از مبارزه‌شان بردارند آنها با ارتباطاتی که دارند، مشکلات فلسطین و خواسته‌های مردم فلسطین را برآورده می‌کنند و امروز هم ممکن است به بهانه تشکیل «کنفرانس بین المللی خاورمیانه» و رفع مشکلات مردم فلسطین بصورت مسالمت‌آمیز، بار دیگر آن خطر متوجه این قیام و انتفاضه شود که البته با توجه به آگاهی مردم و حضور نیروهای اسلامی در صحنه، این یک احتمال ضعیف است اما رهبران این قیام باید آمادگی کامل خود را جدتاً در مقابل این حرکتها حفظ نمایند.

خطر دومی که متصور است ایجاد تفرقه و فتنه در میان جناحهای مختلف

اسلامی است زیرا دشمن سعی در ایجاد تفرقه بین جناحهای اسلامی و ملی فلسطین را دارد که بجای جنگ با صهیونیستها به جنگ یکدیگر بستانند و این اقدام دشمن اول بصورت صدور اطلاعاتی و نشریه و کتب، بعد هم به شکل فیزیکی با یکدیگر مبارزه کنند و زمره این اختلافات در داخل سرزمینهای اشغالی و خارج هم اکنون به گوش می‌رسد که امیدوار هستیم رهبران جناحهای مختلف اسلامی هوشیار باشند و دشمن اصلی را تشخیص بدهند و شگردهایش را بفهمند.

خطر سوم. قبول قطعنامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل است که در سال ۱۹۴۷ این قطعنامه از سوی «شیخ امین الحسینی» رد و تحریم شد. آن موقع شیخ امین الحسینی مفتی وقت بیت المقدس بود، و هیچیک از سازمانها و گروههای فلسطینی، این قطعنامه را تاکنون قبول نکرده بودند تا آنکه «مجلس ملی فلسطین» که اخیراً تشکیل شد، عرفات اعلام کرد که این قطعنامه را قبول کرده است و اگر خدای نخواستند جنبش اسلامی فلسطین تحت تأثیر رهبری «صاف» فرار بگیرد و حاضر شود که این قطعنامه را بپذیرد، عملاً فلسطین به دو قسمت عربی و اسلامی تقسیم می‌شود. و این یکی از آن مواردی است که شدت قیام را با خطر جدی مواجه خواهد کرد زیرا که مردم با پذیرش این قطعنامه از سوی جناحها و گروههای اسلامی فلسطین، طبیعتاً دست از مقاومت برخواهند داشت. البته این مجملی بود از بحثهای مختلف راجع به قیام اسلامی مردم فلسطین که به امید حق بتوانیم در ادامه راجع به برنامه‌های صاف، ابرقدرتها و کشورهای عربی مقالی را داشته باشیم.

ادامه دارد

۱. نام جالوت در آیات ۲۵۴ و ۲۵۱ و ۲۵۲ سوره بقره ذکر گردیده است و داستان طالوت و کشته شدن جالوت بیست حضرت داود(ع) از آیه ۲۴۷ تا آیه ۲۵۲ درج گردیده است:

بیان قرآن: بنی اسرائیل از پیغمبر خود درخواست کردند که فردی را بعنوان پادشاه برای آنان تعیین نمایند تا همراهی او با دشمن بجنگند و پیغمبر آنان به ایشان گفت که خداوند طالوت را بر شما برگزید و عده‌ای از اسرائیلیان در اینجا بدلیل برتری مال، حکومت طالوت را نپذیرفتند تا آنکه پیغمبرشان به آنان گفت که خداوند او را برگزیده و او را از جهت دانش و قوای جسمانی برتری داده و او تائوت را برای شما خواهد آورد و از آن تائوت شما سکنه و آرامش خواهد یافت و پادگار خداوندان موسی و هارون را در آنجا می‌یابید، بنی اسرائیل پادشاهی طالوت را پذیرفته و بعد از گذشتن از نهری به مقابله با سپاه جالوت برخاستند و از خداوند درخواست پیروزی و صبر نموده و جالوت را داود به قتل رسانید و خداوند به داود پادشاهی و حکمت ارزانی داشت.

بیان تورات: در تورات نام جالوت «جلیات» ذکر شده و داستان چنین است، شمشول پیامبر بنی اسرائیل طالوت (جالوت) را به پادشاهی بنی اسرائیل مسح کرد و به جنگ فلسطینیان رفت و یکی از فلسطینیان بنام جلیات (جالوت) که پیکری آراسته و قامتی بلند داشت، با اسلحه کامل چهارروز به میدان جنگ می‌آمد و مبارز طلب می‌کرد اما هیچکس را جرأت مبارزه با او نبود تا اینکه داودین پسا که برای برادران خویش آذوقه به میدان جنگ برده بود سخن فلسطینی (جلیات) را شنید و آماده جنگ با او شد و شاتول وعده داده بود دختر خود را به تزویج قاتل جلیات درخواست آورد و او را از مال توانگر خواهد نمود و داود با قامتی کوتاه با فلاخن و چوب دستی خود به جنگ جلیات (جالوت) رفت و او را از پای درآورد.

اهام خمینی:

«اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی صلی الله علیه وآله وسلم خروش برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده‌اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین، دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعشان از مشتی دغلباز با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند...»

(۶۱/۱/۲۵)